

خبر

رئیس قوه قضائیه ابلاغ کرد:

بخش‌نامه‌ای برای جلوگیری از تبانی شهود

● **شرق:** شهادت یکی از ارکان اثبات دعواست و بسیاری برای اثبات ادعای کذب خود به شهادت شاهد دروغین متوسل می‌شوند و این‌گونه موفق به دوزردن قانون و عدالت می‌شوند.

نگرانی از گسترش این آسیب قضائی به مرز هشدار رسیده است و برخی ارائه شهادت کذب را به منبع درآمدی تبدیل کرده‌اند و کم نیست پرونده‌هایی که برمبنای شهادت دروغ تشکیل شده‌اند.

با توجه به اهمیت شهادت در مسیر تحقق عدالت قضائی، رئیس قوه قضائیه بر آن شد تا با بخش‌نامه‌ای اقدام به اصلاح این امر کند.

رئیس قوه قضائیه با صدور بخش‌نامه‌ای در چهار بند، نحوه احضار، اخذ اظهارات شهود و جلوگیری از تبانی و مواضع آنها با طرفین پرونده‌ها را به مراجع قضائی سراسر کشور ابلاغ کرد. در بند یک این بخش‌نامه آمده است: «مرکز آمار و فناوری اطلاعات قوه قضائیه حداکثر ظرف دو ماه ترتیبی اتخاذ نماید که امکان ثبت مشخصات گواهان در سامانه مدیریت پرونده قضائی امکان‌پذیر باشد.»

بند دوم این بخش‌نامه تصریح کرده است: «قضات دادگاه‌ها و دادسراها نسبت‌به احراز هویت شهود تعرفه‌شده و درج مشخصات گواهان در سامانه مذکور و استخراج سابقه آنان اقدام کنند.»

در بند سوم نیز آمده است: «در صورت کشف شهادت کذب و تبانی در اثنا تحقیقات یا رسیدگی فورا مراتب صورت مجلس و جهت تعقیب کیفری مرتکبین اقدام لازم معمول گردد.» در بند چهارم نیز رئیس قوه قضائیه دستور داده است: «مرکز حفاظت و اطلاعات قوه قضائیه ضمن مراقبت مستمر در این خصوص، نسبت به شناسایی و معرفی اشخاصی که در اطراف واحدهای قضائی به‌صورت حرفه‌ای حضور داشته و در قبال اخال مال یا امتیاز، مباردت به ادای شهادت کذب در مراجع قضائی می‌کنند، اقدام کند.»

لازم به توضیح است که «شهادت عبارت است از اظهارات اشخاص خارج از دعوی که امر مورد اختلاف را دیده یا شنیده یا شخصا از آن آگاه شده‌اند؛ یعنی شخصی به نفع یکی از اصحاب دعوی و بر ضرر دیگری اعلام اطلاع و خبر از وقوع امری نماید، اگر وسیله آگاهی گواه قوه بینایی او باشد گواه را شاهد عینی و گواهی او را «مشاهده» نامند و اگر وسیله آگاهی قوه سامعه باشد گواه را شاهد سمعی و گواهی او را «اسماع» خوانند. در تمامی ادوار و همچنین در همه سیستم‌های حقوقی شهادت شهود به‌عنوان یکی از ادله اثبات دعوی همواره مورد استفاده طرفین دعوی اثبات ادعاهای آنان بوده است، اما حدود استفاده و درجه اعتبار آن از کشوری به کشور دیگر متفاوت است.

البته در ایران شهادت فقط در مواردی که سایر ادله اثبات جرم موجود نباشد، تأثیر بسزایی در روند قضائی دارد اما مسئله شهادت کذب جزء موارد روبه‌رشدی بود که شاید این بخش‌نامه بتواند آن را کنترل کند.

شرق: مجمع تشخیص مصلحت نظام از نهادهای اصلی کشورمان است که یکی مهم‌ترین مسئولیت‌هایش حل اختلاف میان مجلس شورای اسلامی و شورای نگهبان است؛ اما مدت‌هاست نه فقط در موارد اختلافی که هر‌جا مصلحت باند به موضوع قانون‌گذاری ورود می‌کند.

به گفته علی‌اکبر کرچی که معاونت ارتباطات و پیگیری اجرای قانون اساسی ریاست‌جمهوری را بر عهده دارد و منتقد این موضوع است: «در سال ۹۸ تقریباً روند به همین شکل بوده است. حالا برخی موارد رسانه‌ای شده و برخی دیگر نه؛ اما درحال‌حاضر این اتفاق رخ می‌دهد و هیچ ارتباطی هم به اختلافی‌بودن یا اختلافی‌نبودن مصوبات ندارد.»

این موضوع در حالی رخ داده است که قانون اساسی چنین اختیاری برای این نهاد در نظر نگرفته است، از وظایف عمومی این نهاد می‌توان به «تشخیص مصلحت میان نظرات مجلس شورای اسلامی و شورای نگهبان، تهیه و پیشنهاد پیش‌نویس سیاست‌های کلی نظام (جمهوری اسلامی) در اجرای بند ۱ اصل ۱۱۰ قانون اساسی، حل معضلات نظام با ارجاع از سوی مقام رهبری، اعلام نظر درمورد استفسارهای‌های مربوط به مجمع تشخیص مصلحت نظام» اشاره کرد.

یکی از برجسته‌ترین مواردی که بدون وجود اختلاف میان مجلس و شورای نگهبان راهی مجمع شد، لایحه پارلمو از چهار لایحه FATF بود که در مجمع ماند تا خاک بخورد. بی‌توجهی مجمع به لایحه پارلمو و CFT تا جایی پیش رفت که ایران دوباره در لیست سیاه گروه ویژه اقدام مالی یا همان FATF قرار بگیرد تا این‌گونه از ۱۹۰ کشور جهان فقط ایران و کره شمالی در این لیست باشند.

علی‌اکبر کرچی دراین‌باره نیز گفته است: «همان زمان که لایوح مربوط به FATF در این هیئت بررسی می‌شد، اعلام کردیم که این خلاف همه اصول قانون اساسی است، چون به‌رحال نظرات بر مصوبات مجلس صرفا بر عهده شورای نگهبان است و در این نظارت هیچ ملاک و معیار دیگری جز شرع و قانون اساسی وجود ندارد.»

بررسی هم‌زمان بودجه ۹۹ در شورای نگهبان و مجمع تشخیص مصلحت نظام ادامه دارد

آیا اکنون ۲ شورای نگهبان داریم؟!



وی درباره بررسی بودجه سال ۹۹ در هیئت عالی نظارت مجمع تشخیص مصلحت نظام گفت: «درحال‌حاضر برای انطباق مصوبات مجلس با سیاست‌های کلی هیئت نظارت وارد عمل شده و به حوزه قانون‌گذاری، گفته بود «این رویکرد این ایهام را ایجاد کرده که مجمع تشخیص به مجلس سنا می‌دهد، به نظرات آن هیئت هم توجه می‌کند.»

دخالت‌های مجمع تشخیص مصلحت نظام همچنان در امر قانون‌گذاری با تفسیری خاص از اختیارت تشخیص مصالح کلان نظام در رابطه با بودجه ۹۹ نیز ادامه داشته و گویا قرار است از این پس در رویه قانون‌گذاری کشور سهمی مهم اما نانوشته برای این مجمع قائل شد، زیرا حداقل از نمایندگان مجلس و شورای نگهبان صدای اعتراضی بلند نشده است، هرچند علی مطهری، نماینده مجلس، پیش از این در انتقاد از عملکرد مجمع، با بیان اینکه این دخالت‌ها به بهانه تطبیق مصوبات مجلس با سیاست‌های کلی نظام انجام می‌شود، این کار را مغایر با قانون اساسی عنوان کرده و گفته است: «اگر ما به مجلس سنا نیاز نداریم، باید در قانون اساسی آورده شود. مجمع اگر تمایل دارد در مصوبات مجلس دخل و تصرف و آنها

سیاست . دیپلماسی

که برخی جزء نویسندگان نامه بودند، تشکیل شود. اسم این نهاد تازه هم «مجمع تشخیص مصلحت نظام» گذاشته می‌شود.

با این اقدام قرار بر رفع چالش میان مجلس و شورای نگهبان است که تصمیم‌های مجمع خود به چالشی جدید تبدیل می‌شود تاجایی‌که کمتر از یک سال بعد، ۹۷ نفر از نمایندگان مجلس سوم که عمدتا از جناح چپ بودند، نامه‌ای به امام خمینی (ره) می‌نویسند و گلایه می‌کنند که نهاد تازه‌تشکیل‌شده، «قانون‌گذاری، نیز می‌کند و یا این روند، «علاوه بر بی‌خاصیت‌شدن مجلس، تناقض‌های فراوان در قوانین» ایجاد می‌کند و «وجود مراکز متعدد و موازی قانون‌گذاری»، «مشکل‌آفرین و موجب تزلزل نظام سیاسی» می‌شود. امام خمینی (ره) در پاسخی کوتاه می‌نویسند «مطلبی که نوشته‌اید کاملاً درست است» و «تصمیم دارم در تمام زمینه‌ها وضع به‌صورتی درآید که همه طبق قانون اساسی حرکت کنیم. آنچه می‌نویسند و می‌کنند که نهاد تازه‌تشکیل‌شده، در این سال‌ها انجام گرفته است، در ارتباط با جنگ بوده است.» با اصلاح قانون اساسی در سال ۶۸ حدود وظایف و اختیارات مجمع یکی از مباحث جدی است که در نهایت با اختیاراتی مبهمی در قانون اساسی گنجانده می‌شود، هرچند بسط اختیارات مجمع به میزان قانون‌گذاری مورد نقد بسیاری از کارشناسان می‌شود. اما در عمل این مجمع اختیارات نانوشرته بسیاری ذیل عنوان تشخیص مصلحت سیاست‌های کلی نظام برای خود قائل است.

همان ماه اول تأسیس مجمع بزمی‌گردد. بهمن ۶۶ که اختلاف میان مجلس قانون‌گذاری و شورای نگهبان بر سر برخی از لویاح، به چالشی جدی تبدیل شده بود، برخی از مسئولان و بزرگانی مانند آیت‌الله خامنه‌ای مقام معظم رهبری، هاشمی رفسنجانی، موسوی‌اردبیلی و میرحسین موسوی و مرحوم احمد خمینی در نامه‌ای به امام خمینی (ره) به اختلاف‌های مکرر در میان مجلس و شورای نگهبان بر سر برخی لویاح «باز به دخالت ولایت فقیه و تشخیص موضوع حکم حکومتی»، اشاره کردند و خواستار «سرعت عمل مطلوب» در این زمینه شدند.همان روز امام خمینی (ره) در پاسخ این نامه می‌نویسد که مجمعی مرکب از فقهای شورای نگهبان، و بزرگانی

چالش آمریکا و چین، روسیه و اوکراین موجب شد؛

منازعه سیاسی قطع‌نامه لغو تحریم را نافرجام گذاشت

ووهان به‌عنوان مبدأ ویروس کرونا ذکر شود. با این اوصاف هم شورای امنیت و هم مجمع عمومی تلاش کردند چنین مصوبه‌ای را به سرانجام برسانند. تلاش شورای امنیت در سه هفته گذشته نیز به دلیل اختلاف بین آمریکا و چین از تصویب قطع‌نامه‌ای درباره کرونا بازمانده است؛ مجمع عمومی در نهایت توانست تحت شرایط خاصی قطع‌نامه‌ای درباره کرونا به تصویب برساند.

البته مجمع عمومی به دلیل شیوع کرونا در نیویورک، به صورت حضوری برگزار نمی‌شود و روندی جدید برای مصوبات در نظر گرفته شده است. کوروش حدادی، دیپلماتی که سال‌ها در دفتر ایران در سازمان ملل سابقه کار دارد، در یادداشتی دراین‌باره برای ایرنا در مورد نحوه جدید اداره جلسات مجمع به اسم «رویه سکوت» نوشته: «این رویه جدید از سوی رئیس مجمع و ضمن مشورت با «کمیته عمومی» مجمع و با تصویب اعضای سازمان

از طریق «رویه سکوت» در ۲۴ مارس اتخاذ شد و قرار است صرفا در ارتباط با امور مهم، حداقل تا پایان ماه می، بنیای کار باشد. مطابق این رویه جدید، پیش‌نویس قطع‌نامه‌ها از طریق ایمیل به اطلاع اعضا می‌رسید و آنها باید طی سه روز به آن واکنش نشان دهند یا سکوت کنند. عدم واکنش یا سکوت به معنی رضایت و موافقت با متن است و کمزوری که با متن مشکل دارد، در مدت تعیین‌شده مخالفت خود را اعلام می‌کند. مطابق تصمیم مجمع، در چارچوب این رویه جدید، حتی مخالفت یک کشور نیز موجب شکست پیش‌نویس قطع‌نامه یا اعلامیه می‌شود. این در حالی است که مطابق بند ۱۸ منشور و آیین کار مجمع عمومی، تصمیمات عادی مجمع با اکثریت آرا اعضای حاضر و شرکت‌کننده در رأی‌گیری گرفته می‌شود.» این دیپلمات درباره آنچه در مجمع عمومی گذشته توضیح می‌دهد: مجمع عمومی بر مبنای این رویه جدید درباره دو قطع‌نامه رقیب در مورد کرونا تصمیم گرفت. قطع‌نامه نخست توسط غنا، اندونزی، لیختن‌اشتاین، نروژ، سوئیس و سنگاپور

سختگویی کمیسیون فرهنگی مجلس از ورود این کمیسیون به موضوع تعطیلی روزنامه‌ها و تعدیل نیرو در مطبوعات خبر داد. سیده فاطمه ذوالقدر به «ایسنا» گفته است: «در جلسه پیش‌روی کمیسیون فرهنگی مجلس پیشنهادات نماینده‌ها برای تحقق ایجاد فرهنگی جهش تولید و بررسی عملیاتی شدن جهش تولید در حوزه فرهنگ دریافت خواهد شد تا این پیشنهادها مورد بحث و تبادل نظر قرار گیرد.» به گفته او «موضوع جهش تولید عرصه فرهنگی را هم شامل می‌شود؛ در همین راستا باید به حمایت از تولید محصولات فرهنگی توجه کنیم تا بتوانیم شاهد تحقق جهش تولید در عرصه محصولات وارد نشود.»

ادامه از صفحه اول

کانون وکلای دادگستری در برابر پیشنهادی جدیدبرای اصلاح آیین‌نامه‌اش

و با بهره‌گیری از قانون اساسی، نظریه تفسیری شورای نگهبان، قانون وظایف و اختیارات رئیس قوه قضائیه مصوب هشتم اسفند سال ۷۸ شورای عالی قضائی و موادی چند از لایحه استقلال کانون وکلای دادگستری به این پرسش کلیدی پاسخ دهد.

دو ایراد شکلی و یک ایراد پایه‌ای در وهله نخست بر این نامه «سر به مهر» وارد است:

اولین ایراد از نوع شکلی را می‌توان به زمان ابلاغ «آن» مربوط دانست. با توجه به پیشینه تصویب بدون سروصدای نسخه دیگر این اصلاحیه با اندکی تغییر در بیست‌وهفتم خرداد ۱۳۸۸ و در آخرین روزهای ریاست مرحوم آیت‌الله شاهرودی بر قوه قضائیه، در آن فضای به‌هم‌ریخته و شلوغ سیاسی - اجتماعی و روند ابلاغ شیوع ویروس covid۱۹، نه فقط برای جامعه وکالت که به‌جای خود محل تردد بسیار دارد، بلکه از درجه نگاه هر اهل درک، انتخاب این زمان با هر توجه و استدلالی معنادار بوده، شبهه ایجاد کرده و در خوش‌بینانه‌ترین حالت، به بدسلوکی دست‌اندرکاران تعبیر می‌شود!

ایراد دوم، قضیه برجسب «خیلی محرمانه» بر پیشانی این «بسته» است؛ برابر ماده ۱ آیین‌نامه طرز نگهداری اسناد سری و محرمانه دولتی به شماره ۱۷۰ - ۱۴۱۰ دوم دی ۱۳۵۴ وزارت دادگستری (وقت):

«اسناد سری و محرمانه دولتی به اعتبار مراقبتی که باید در حفظ آن شود، در نظام دولتی ایران به چهار دسته:

محرمانه، خیلی محرمانه، سری (و) به‌کلی سری تقسیم می‌شوند.

در تعریف خیلی محرمانه آمده است:

«اسنادی که افشای غیرمجاز آنها منافع عمومی و امنیت ملی را دچار مخاطره کند.»

و این در حالی است که با هر تعبیر و استدلالی، پیش‌نویس آیین‌نامه لایحه استقلال سند محرمانه‌ای نبوده که افشای آن منافع عمومی و امنیت ملی را به خطر بیندازد!

تازه همه اینها به‌کنار، مگر می‌شود بدون اطلاع و آگاهی جامعه وکالت برای بیش از ۶۰ هزار وکیل دادگستری نسخه پیچید و بدون نظرخواهی از آنان «آیین کار» برایشان تدارک دید و جامه ندیده، دوخته و اندازه‌گیری نشده را بر قامتشان پوشاند؟!

اذعان کنیم به‌کارگیری این‌روش با موضع شناخته‌شده ریاست محترم قوه قضائیه و نوع نگاه این بزرگوار در قالب حق بر دانستن، آگاهی‌سازی، گردش آزاد اطلاعات و شفاف‌سازی که بارها و در مناسبت‌های گوناگون بر آن تأکید کرده‌اند، همخوانی نداشته و ندارد!

و اما ایراد مبنایی و پایه:

نویسندگان با سه باور من، «تمهیک‌کننده» محترم اصلاحیه مورد بحث، برگرفته و با اندکی تغییر از اصلاحیه منتشرشده در روزنامه رسمی هفتم تیر ۸۸ و صد البته کنارگذاشته‌شده در آن زمان به‌دلیل اعتراض‌های قانونی صورت‌گرفته از جانب کانون‌های وکلای دادگستری کشور، بنیای قانونی و مستند مشکل‌گیری بنای ۱۹۸ ماده‌ای پیش‌نویس حاضر را درست مانند اصلاحیه ۹۹ ماده‌ای یک دهه قبل، همان ماده ۲۲ لایحه قانونی استقلال کانون وکلای دادگستری قرار داده است!

طرفه آنکه در اصلاحیه مورد اختلاف از جانب کانون وکلای دادگستری نیز در هر دو مورد بر همین پایه، یعنی ماده ۲۲ لایحه قانونی استقلال استوار است!

متن ماده ۲۲ لایحه استقلال یعنی همین ماده مورد اختلاف را هم مرور می‌کنیم:

«کانون وکلای دادگستری با رعایت مقررات این قانون آیین‌نامه‌های مربوط به امور کانون، از قبیل انتخابات و طرز رسیدگی در تخلفات، نوع تخلفات و مجازات آنها و تفریغ و کارآموزی و پروانه وکالت را در مدت دو ماه از تاریخ تصویب این قانون (۱۳۳۲،۱۲،۵) تنظیم می‌نماید و پس از تصویب وزیر دادگستری به‌موقع اجرا گذاشته می‌شود.» چه ابهامی در این ماده و در ارتباط با صلاحیت قانونی کانون وکلای دادگستری مبنی بر تنظیم آیین‌نامه لایحه استقلال در چارچوب قانون توسط امانت‌داران وکلا برای بهترآدراکردن خانه خودشان وجود دارد؟ در برداشت از این ماده، نه نیازمزد تفسیر و تعبیر هستیم و نه محتاج پرسش از حقوق‌دان و صاحب‌نظر! مانند روز روشن است.

تفویض اختیارات وزیر دادگستری وقت به شورای عالی قضائی در ۲۱ تیر ۱۳۵۹ (زمان تشکیل شورای عالی قضائی) و سپس تفویض همین اختیارات، از سوی شورای عالی قضائی به قوه قضائیه در جریان بازنگری قانون اساسی (ششم خرداد سال ۱۳۶۸)، چنانچه برخی از مسئولان محترم قضائی به آن تمسک جسته‌اند نیز نمی‌تواند مهر تأییدی باشد بر صلاحیت ریاست محترم قوه قضائیه در تنظیم آیین‌نامه نهادی مدنی و خودگردان مانند کانون وکلای دادگستری. در قسمت اخیر ماده ۱۰۵ «قانون وظایف و اختیارات رئیس قوه قضائیه» مصوب هشتم اسفند ۱۳۷۸ و در تأیید صلاحیت وزیر دادگستری آمده است: «...آیین‌نامه اجرایی این قانون توسط وزیر دادگستری تهیه و به تصویب رئیس قوه قضائیه خواهد رسید.» مفاد متن کوتاه‌ها داشته دلالت بر این معنا دارد: اختیارات وضع آیین‌نامه‌های غیرقضائی همچنان در حوزه صلاحیت وزیر دادگستری و نیز نهادهای قانونی متقاضی انجام این مهم مانند شرایط امروز کانون وکلا بوده و هنوز هم در چارچوب ماده ۲۲ این صلاحیت به جای خود باقی است. برابر اصل ۹۸ قانون اساسی، تفسیر قانون اساسی بر عهده شورای محترم نگهبان است.

ادامه در صفحه ۶

ورود کمیسیون فرهنگی به موضوع تعطیلی مطبوعات